

مؤلفه‌های زبان‌شناختی و جامعه‌شناختی - معنایی و بازنمایی کنشگران اجتماعی در متون مطبوعاتی

مسعود اسدی^{۱*}، ارسلان گلغام^۲، فردوس آقاگل‌زاده^۳، آزیتا افراشی^۴

۱. دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

۲. دانشیار زبان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

۳. دانشیار زبان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

۴. دانشیار زبان‌شناسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران

پذیرش: ۹۳/۲/۲۱

دریافت: ۹۲/۱۱/۱۰

چکیده

پژوهش حاضر را با هدف شفاف‌سازی متون مطبوعاتی و کشف لایه‌های پنهان معانی آن‌ها در چارچوب تحلیل گفتمان انتقادی انجام داده‌ایم؛ بنابراین، چهل متن از چهار روزنامه داخلی ایران را در یک دوره دوماهه مرداد و شهریور ۱۳۹۰، با بهره‌گیری از مؤلفه‌های جامعه‌شناختی - معنایی الگوی ون لیوون (۱۹۹۶) به صورت کیفی تجزیه و تحلیل کردیم. تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش نشان می‌دهد که ایدئولوژی حاکم بر ذهن نویسندگان، گروه‌ها و صاحبان اندیشه، با بهره‌گیری از مؤلفه‌های گفتمان‌مدار همچون تشخیص‌بخشی، تشخیص‌زدایی، فعال‌سازی، کمرنگ‌سازی و ...، در متن منعکس می‌شود و تظاهر زبان‌شناختی ساخت‌های گفتمان‌مدار در متون، در قالب ساخت‌های زبانی نظیر فرآیند اسم‌سازی، استفاده از توصیفگرهای پیشین (در ترکیب اضافی)، معلوم در برابر مجهول، هم‌پایگی و ...، صورت می‌گیرد. همچنین، مؤلفه‌های گفتمان‌مدار و ایدئولوژی و روابط قدرت در تعامل تنگاتنگ هستند و رابطه‌ای دوسویه دارند که با بررسی این ساخت‌ها در متون و نهادهای اجتماعی قابل تبیین است.

واژگان کلیدی: تحلیل گفتمان انتقادی، ساخت‌های گفتمان‌مدار، مؤلفه‌های جامعه‌شناختی - معنایی، کنشگران اجتماعی، ایدئولوژی.

۱. مقدمه

تحلیل گفتمان انتقادی^۱ رویکردی نوین در حوزه تحلیل گفتمان است که به بررسی و کشف روابط قدرت^۲ پنهان و ایدئولوژی در پس متون می‌پردازد. در تحلیل گفتمان، بافت موقعیتی که شامل محیط بلافصل، منظور گوینده، دانش پس‌زمینه و ... است، مبنای تحلیل قرار می‌گیرد؛ ولی در تحلیل گفتمان انتقادی، مفاهیمی همچون ایدئولوژی و قدرت نیز وارد تحلیل می‌شوند، بافت گسترش می‌یابد و روابط تاریخی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و ... را نیز دربر می‌گیرد تا تحلیل از سطح توصیف فراتر برود و به سطح تحلیل و تبیین برسد. در این رویکرد، این اعتقاد وجود دارد که متون خنثی از بار ایدئولوژیکی نیستند و حوادث و رویدادها از منظر خاصی گزارش می‌شوند؛ به سخن دیگر، می‌توانیم به بازکاوی ایدئولوژی‌های مسلط در بین متون مختلف دست یازیم. در این رویکرد، زبان و گفتمان دارای سطوح و لایه‌هایی است؛ در سطوح زیرین حاوی ایدئولوژی و روابط قدرت و سلطه است و در سطوح زبرین حاوی ساختارها و مؤلفه‌های گفتمان‌مدار. کار ساختارهای گفتمان‌مدار^۳ تصویرسازی کنشگران اجتماعی^۴ است. کنشگران اجتماعی همه افرادی هستند که در یک گفتمان حضور دارند و به کمک مؤلفه‌های جامعه‌شناختی - معنایی^۵ به گونه‌های مختلف در گفتمان بازنمایی می‌شوند. در مقاله حاضر، می‌خواهیم با به‌کارگیری الگوی ون لیون^۶ (1995 & 1996) و تحلیل متون مطبوعاتی نشان دهیم که نحوه نگرش و ایدئولوژی نویسندگان و تولیدکنندگان متون در هیئت ساختارهای گفتمان‌مدار نمود پیدا می‌کنند و این دو با یکدیگر تعامل تنگاتنگ دارند. پرسش‌های اصلی این پژوهش عبارت‌اند از:

۱. ایدئولوژی حاکم بر ذهن نویسندگان، گروه‌ها و صاحبان اندیشه چگونه در متون انعکاس می‌یابد؟

۲. تظاهر زبان‌شناختی ساختارهای گفتمان‌مدار در متون مورد تحقیق چگونه صورت می‌گیرد؟

۳. رابطه میان مؤلفه‌های گفتمان‌مدار و ایدئولوژی و روابط پنهان قدرت در پس این متون را چگونه می‌توانیم تبیین کنیم؟

پاسخ به پرسش‌های بالا، در راستای کشف رابطه میان مؤلفه‌های زبانی از یک سو و مؤلفه‌های جامعه‌شناختی - معنایی از سوی دیگر است که برای القای طرز فکر و ایدئولوژی پنهان در پس متون به خدمت گرفته می‌شوند؛ زیرا «آنچه متن را می‌سازد و باعث فهم متون می‌شود،

تنها توصیف رمزهای زبان‌شناختی و معانی زبانی نیست؛ بلکه عوامل ایدئولوژیکی و طرز نگرش و یا بینش اشخاص (نویسندگان) و صاحبان افکار پنهان در آن سوی متون از عوامل مؤثر در تولید و درک متون به‌شمار می‌روند» (آقاگل‌زاده و غیاثیان، ۱۳۸۶: ۱۹۷).

۲. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

تحلیل گفتمان در جریان تحول تاریخی خود، دو مسیر مختلف را طی کرده است. یک مسیر در زبان‌شناسی ریشه دارد و مسیر دیگر در فلسفه سیاسی - اجتماعی. تاریخ تحول تحلیل گفتمان در حوزه زبان‌شناسی در سه مرحله تحلیل گفتمان ساخت‌گرا (گفتمان‌به‌مثابه زبان فراتر از جمله)، تحلیل گفتمان نقش‌گرا (گفتمان‌به‌مثابه زبان به‌هنگام کاربرد) و تحلیل گفتمان انتقادی، قابل بررسی است. سلطانی (۱۳۸۴) یک وجه اشتراک را برای هر سه رویکرد تحلیل گفتمان ساخت‌گرا، نقش‌گرا و انتقادی ذکر می‌کند؛ اینکه در هر سه، زبان بزرگ‌تر از گفتمان است و گفتمان چیزی است که در درون زبان روی می‌دهد و تابع زبان است. درمقابل رویکردهای زبان‌شناختی، در حوزه علوم انسانی و اجتماعی، گفتمان به‌گونه دیگری تحول یافته است. به‌عقیده فوکو^۷ (Jorgenson & Phillips, 2002: 29-34)، این گفتمان است که از زبان بزرگ‌تر است و نه تنها زبان، بلکه بسیاری از پدیده‌های اجتماعی دیگر را در سیطره تأثیرات خود قرار می‌دهد. هیچ چیز دارای هویت نیست و هویت خود را از گفتمانی به‌دست می‌آورد که در آن قرار می‌گیرد.

به‌گفته کرس^۸، «در زبان‌شناسی انتقادی هدف از تجزیه و تحلیل الزاماً کشف معانی پیچیده و غیرعادی موجود در متن نیست؛ بلکه ابهام‌زدایی و شفاف کردن آن دسته از فرآیندهای مربوط به تولید و درک است که به تحلیلگران این قدرت را می‌دهد که بتوانند عملکرد ایدئولوژی را در زبان ببینند و به دیگران معرفی کنند» (Kress, 1985: 65). در زبان‌شناسی، ایدئولوژی به مجموعه‌ای از عقاید، برداشتها و ارزش‌های نظام‌مندی اطلاق می‌شود که در یک جامعه یا بخشی از آن ساری و جاری است (یارمحمدی، ۱۳۸۳: ۱۰۰). گرامشی^۹ ایدئولوژی را فلسفه‌ای ضمنی می‌داند که در فعالیت‌های کاربردی زندگی فردی و اجتماعی، چون هنر و اقتصاد، ساری و جاری است، در پس‌زمینه قرار دارد و بدیهی فرض می‌شود (Fairclough, 1989: 84). چنین برداشتی از ایدئولوژی، آن را به عقل سلیم مرتبط می‌کند.

یارمحمدی و سیف (۱۳۸۳) با تحلیل گزیده‌هایی از روزنامه‌های فارسی‌زبان و انگلیسی‌زبان (در آمریکا و انگلیس) درباب منازعات اسرائیلی‌ها و فلسطینیان، با بهره‌گیری از الگوی ون لیوون (1996) نشان می‌دهند که بین ساخت ایدئولوژیک و ساخت گفتمان‌مدار ارتباط دوسویه وجود دارد. کلانتریان (۱۳۹۱) با استفاده از الگوی بازنمایی کنشگران اجتماعی ون لیوون (2008)، به بررسی مسئله هسته‌ای ایران از دیدگاه تحلیل گفتمان انتقادی پرداخت و نشان داد که چگونه رسانه‌های مکتوب دو جناح مطرح در عرصه سیاسی ایران، یعنی اصلاح‌طلبان و اصول‌گرایان، به بازنمایی کنشگران اجتماعی در ارتباط با این امر پرداخته‌اند و ایدئولوژی صاحبان این رسانه‌ها تا چه حد در این بازنمایی دخیل بوده است. صحراگرد و شیروانی (۱۳۹۱) به مقایسه بازنمایی هویت شهروندان ایران مهاجر در متون مطبوعاتی داخل و خارج از کشور، از منظر تحلیل گفتمان انتقادی پرداخته‌اند. آن‌ها با تعیین میزان معناداری هر روزنامه با روش‌های آماری نشان دادند که رازگونگی روزنامه‌های داخلی بیشتر از خارج کشور بوده است. پوشنه و بابک معین (۱۳۹۲) تلاش کرده‌اند با تحلیل کیفی گفتمان در روایتی از ابراهیم گلستان (۱۳۸۴)، بین پیام نهفته در متن که برپایه ایدئولوژی خاصی سامان یافته است و نحوه بیان آن ارتباط برقرار کنند. حاصل پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد که مؤلف به‌منظور تأثیرگذاری بیشتر بر مخاطب و شرایط سیاسی-اجتماعی پیرامون متن و دیدگاه‌های فکری-اجتماعی وی، کنشگران اجتماعی مختلف را به شیوه‌های متفاوتی بازنمایی کرده است.

۳. روش انجام پژوهش

تحلیل گفتمان انتقادی یک رویکرد یکدست و دارای روشی پذیرفته برای همگان نیست و به‌لحاظ روش‌شناسی حاوی گلچینی از روش‌ها است؛ اما فصل مشترک همه آن‌ها مفهوم انتقادی است. در این پژوهش، از روش کیفی درجهت تحلیل و تبیین متون استفاده کرده‌ایم؛ زیرا تحلیل متن از نظر ماهیت کیفی و از نظر نوع اکتشافی است. یکی از راه‌های تحلیل کیفی، درنظر گرفتن نظریه یا چارچوبی در داخل الگویی خاص است که اصولی پذیرفته شده دارد (آقاگل‌زاده، ۱۳۸۳ و ۱۳۸۵). الگوی تحلیل در این تحقیق، الگوی جامعه‌شناختی-معنایی ون لیوون (1996) است. از دید فرکلوف، گفتمان همان «زبان به‌منزله کنش اجتماعی است» (Fairclough, 1989: 17- 22). به‌عقیده ون لیوون، «کلیه کارهایی که مردم، با مقادیر مختلفی از آزادی که توسط عرف یا تجویز آشکار یا

ترکیبی از هر دو محرز شده است، به‌طور روزمره انجام می‌دهند، کردار اجتماعی محسوب می‌گردد» (Van Leeuwen, 1993: 30). مهم‌ترین عناصر کردار اجتماعی عبارت‌اند از: شرکت‌کنندگان در کردار اجتماعی (کنشگرهای اجتماعی)، فعالیت‌هایی که شرکت‌کنندگان در آن حضور دارند (کنش) و عکس‌العمل‌هایی که شرکت‌کنندگان نسبت به سایر شرکت‌کنندگان یا سایر کنش‌ها از خود نشان می‌دهند (واکنش^{۱۱}) (همان). در این پژوهش، به بررسی شیوه‌های بازنمایی کنشگران اجتماعی می‌پردازیم. برخلاف شیوه رایج در تحلیل گفتمان انتقادی که با ابزارهای زبانی مانند اسم‌سازی، حذف فاعل در ساخت مجهول و مقولات زبان‌شناسی همچون مقوله گذرایی آغاز می‌شود (Van Dijk, 1989; Fairclough, 1989; Hodge, R. & G. Kress, 1979; Wodak & Meyer, 2009; Wodak, 1995)، ون لیوون تحلیل خود را با مؤلفه‌های جامعه‌شناختی- معنایی آغاز می‌کند که به بازنمایی کنشگران می‌پردازد. ون لیوون (1996) در مقاله «بازنمایی کنشگران اجتماعی»^{۱۲}، با ارائه فهرستی از شیوه‌های بازنمایی کنشگران اجتماعی و تعریف و تبیین هریک از آنها، استدلال می‌کند که مطالعه مؤلفه‌های جامعه‌شناختی- معنایی گفتمان، نسبت به بررسی مؤلفه‌های زبان‌شناختی، شناختی عمیق‌تر و جامع‌تر از متن ایجاد می‌کند. به باور وی، این مؤلفه‌ها در نشان دادن لایه‌های زیرین متن کارایی بیشتری دارند. ون لیوون معتقد است که در تحلیل گفتمان انتقادی، نخست باید توجه گفتمانی به‌کارگیری و یا عدم به‌کارگیری هریک از مؤلفه‌های جامعه‌شناختی- معنایی را مشخص کنیم و سپس به تحقق زبان‌شناختی آنها در گفته یا متن بپردازیم. دلیل اصلی ون لیوون در مقدم دانستن مؤلفه‌های جامعه‌شناختی- معنایی بر مؤلفه‌های زبان‌شناختی این است که کنشگران زبان‌شناختی و کنشگران اجتماعی همواره بر یکدیگر منطبق نیستند؛ مثلاً در عبارت «اولین خبرنگار خارجی که در اشغال کابل توسط طالبان به‌قتل رسید...»، «اولین خبرنگار خارجی» گرچه از نظر زبان‌شناختی فاعل است، از لحاظ جامعه‌شناختی کنش‌پذیر^{۱۳} است و «طالبان» عاملان^{۱۴} و فعالان واقعی هستند. به دلیل عدم وجود رابطه یک‌به‌یک بین مقولات جامعه‌شناختی و زبانی، اگر در بازنمایی عاملیت تنها بر ابزارهای زبانی تکیه کنیم، از بسیاری از موارد عاملیت چشم‌پوشی خواهیم کرد؛ به همین دلیل، ون لیوون ابتدا بر مؤلفه‌های جامعه‌شناختی- معنایی تأکید می‌کند و سپس تجلی زبانی آنها را به‌نمایش می‌گذارد. دلیل دیگر این است که معنا و منظور، از فرهنگ گویشوران نشئت می‌گیرد،

نه از زبان. گرچه نظریهٔ ون لیوون ارجحیت را به کارکردهای اجتماعی می‌دهد، هنوز در زبان پایه دارد؛ زیرا شیوه‌های بازنمایی کنشگران اجتماعی با تظاهرات زبان‌شناختی و تحقق کلامی آن‌ها به هم گره خورده است و تنها در این نظریه، اولویت به مؤلفه‌های جامعه‌شناختی - معنایی داده شده است.

داده‌های این پژوهش را از بین سرمقاله‌ها و یادداشت‌های روز چهار روزنامهٔ چاپ ایران در دورهٔ زمانی دوماهه (ماه‌های مرداد و شهریور ۱۳۹۰) انتخاب کردیم. ۴۰ متن از روزنامه‌های «شرق» و «اعتماد» (وابسته به جریان موسوم به اصلاح‌طلب) و «رسالت» و «کیهان» (وابسته به جریان موسوم به اصول‌گرا) را برگزیدیم (از هر نشریه ۱۰ متن). این متون عبارت‌اند از:

روزنامهٔ شرق: سرمقاله‌های شمارهٔ ۱۳۰۲ (۳ مرداد)، ۱۳۰۵ (۶ مرداد)، ۱۳۰۹ (۱۱ مرداد)، ۱۳۱۴ (۱۷ مرداد)، ۱۳۱۷ (۲۰ مرداد)، ۱۳۲۲ (۲۶ مرداد)، ۱۳۲۶ (۱ شهریور)، ۱۳۳۵ (۱۴ شهریور)، ۱۳۴۶ (۲۷ شهریور) و ۱۳۵۰ (۳۱ شهریور).

روزنامهٔ اعتماد: یادداشت‌های روز شمارهٔ ۲۲۲۰، دو متن (۴ مرداد)، ۲۲۲۷ (۱۲ مرداد)، ۲۲۳۰ (۱۶ مرداد)، ۲۲۵۱ (۱۳ شهریور)، ۲۲۵۳ (۱۵ شهریور)، ۲۲۵۴ (۱۶ شهریور)، ۲۲۵۷ (۲۰ شهریور)، ۲۲۵۸ (۲۱ شهریور) و ۲۲۶۷ (۳۱ شهریور).

روزنامهٔ رسالت: سرمقاله‌های شمارهٔ ۷۶۲۰ (۳ مرداد)، ۷۶۲۳ (۶ مرداد)، ۷۶۲۶ (۱۰ مرداد)، ۷۶۳۴ (۱۹ مرداد)، ۷۶۳۵ (۲۰ مرداد)، ۷۶۳۷ (۲۳ مرداد)، ۷۶۳۹ (۲۵ مرداد)، ۷۶۴۷ (۵ شهریور)، ۷۶۵۰ (۷ شهریور) و ۷۶۶۱ (۲۳ شهریور).

روزنامهٔ کیهان: یادداشت‌های روز شمارهٔ ۱۹۹۸۰ (اول مرداد)، ۱۹۹۸۷ (۹ مرداد)، ۱۹۹۹۰ (۱۲ مرداد)، ۱۹۹۹۷ (۲۰ مرداد)، ۲۰۰۰۰ (۲۴ مرداد)، ۲۰۰۰۴ (۲۹ مرداد)، ۲۰۰۰۸ (۳ شهریور)، ۲۰۰۱۰ (۶ شهریور)، ۲۰۰۱۷ (۱۶ شهریور) و ۲۰۰۲۱ (۲۱ شهریور).

در این پژوهش، از نمونه‌گیری زنجیره‌ای^{۱۵} استفاده کردیم و به همین دلیل نظر افراد آگاه را در انتخاب متون جویا شدیم. بیشتر آنان بر ارزشمندی تحلیل این متون تأکید داشتند.

در پژوهش حاضر، تحلیل کمی و محاسبهٔ آماری مورد توجه نبوده است. در تجزیه و تحلیل داده‌ها ابتدا هر متن را به‌طور دقیق و کامل مطالعه کردیم و با توجه به الگوی تحلیل (ون لیوون، ۱۹۹۶)، مؤلفه‌های گفتمان‌مدار را استخراج، تحلیل و تبیین نمودیم. در مرحلهٔ بعد، تا جایی که ممکن بود نمودهای زبانی مؤلفه‌های گفتمان‌مدار در متون را تعیین کردیم و سرانجام افکار پنهان و

ایدئولوژی‌های مسلط در پس متون را مورد بازکاوی قرار دادیم.

۴. تحلیل داده‌ها

۴-۱. مؤلفه‌های جامعه‌شناختی-معنایی و نمودهای زبانی آن‌ها

مؤلفه‌های جامعه‌شناختی-معنایی انواع و زیرمقوله‌های متعددی دارد که معرفی همه آن‌ها در نوشتار حاضر نمی‌گنجد؛ بنابراین، در متون مورد بررسی، تنها موارد زیر را که به پرسش‌ها و هدف تحقیق مربوط می‌شوند، کشف و معرفی می‌کنیم:

۴-۱-۱. حذف^{۱۷} و اظهار^{۱۸}

در این روش، حضور (اظهار) و یا عدم حضور (حذف) شرکت‌کنندگان در فعالیت‌های اجتماعی و تجلی آن‌ها در زبان صورت‌های مختلفی دارد. گاهی یک کنشگر اجتماعی به دلایل و انگیزه‌های مختلف در یک گفتمان حذف می‌شود. حذف به دو روش پنهان‌سازی^{۱۸} و کمرنگ‌سازی^{۱۹} صورت می‌گیرد. در پنهان‌سازی، حذف به گونه‌ای شکل می‌گیرد که بازشناسی کنشگر هرگز ممکن نیست و حتی اعمال و رفتار او نیز حذف می‌شود؛ ولی در کمرنگ‌سازی، با اینکه کنشگر اجتماعی حذف می‌شود، جابجایی از خود در نقطه‌ای دیگر برجای می‌گذارد تا بتوانیم آن را بازیابی کنیم. در مثال‌های زیر، نمونه‌هایی از پنهان‌سازی و کمرنگ‌سازی را می‌بینیم:

۱. «من در این یادداشت دربارهٔ قانونی بودن یا نبودن این کار بحث نمی‌کنم [...]» (پنهان‌سازی) (اعتماد).

کنشگرانی که حذف و رد صلاحیت‌های نامزدها را قانونی کرده‌اند، حذف شده است. نویسنده عمداً عاملان کنش را معرفی نمی‌کند.

نمود زبانی: استفاده از فعل ربطی به‌جای فعل سببی (قانونی بودن به‌جای قانونی کردن).

۲. «همچنین هر انتخاباتی به نسبتی که دارای محدودیت در آزادی بیان یا [...]» (پنهان‌سازی) (اعتماد).

در اینجا، حذف کنشگر (کسانی که در آزادی بیان محدودیت ایجاد می‌کنند) صورت گرفته است و پنهان‌سازی شده است. در اینجا، پنهان‌سازی به این دلیل انجام شده است که نقش عمل

مهم است. از این طریق، نویسنده مسئولیت معرفی عاملان را نیز از خود سلب می‌کند.
نمود زبانی: اسم‌سازی (استفاده از اسم به‌جای فعل، یعنی محدودیت به‌جای محدود کردن).
 ۳. «رسانه‌های دولتی بنابر فعالیت تعریف‌شده خود عموماً مأموریت تبلیغ [...]» (پنهان‌سازی) (شرق).

چه کسانی یا دست‌هایی این فعالیت را تعریف کرده‌اند؟ فعالیتی که برای رسانه‌های دولتی تعریف شده است، مطلوب نویسنده نیست و به‌طور غیرمستقیم از این عمل انتقاد می‌کند؛ اما عاملان کنش را پنهان می‌سازد و مسئولیت معرفی آن‌ها را به‌عهده نمی‌گیرد.
نمود زبانی: تجلی فرآیند به‌صورت صفت (تعریف‌شده).

۴. «[...] با سربازان ارتش رسانه‌ای غرب در ایران و خارج از مرزهای ایران برخورد شود [...]» (کمرنگ‌سازی) (رسالت).

در اینجا، عامل کنش «برخورد کردن» عمداً حذف شده است و نویسنده به دلایلی تمایل ندارد مستقیماً از عاملان این کنش بگوید؛ ولی در جای دیگر متن، به‌طور غیرمستقیم آن‌ها را معرفی می‌کند. منظور نویسنده برخورد از سوی دستگاه قضایی کشور، احزاب و گروه‌های اسلامی و نهادهای مسئول امنیتی هستند؛ بنابراین، در اینجا حذف کنشگر اجتماعی گفتمان‌مدار است.
نمود زبانی: حذف عامل در بند مجهول.

در موارد دیگر، کنشگران اجتماعی آشکارا در گفتمان‌ها ذکر می‌شوند. بازنمایی کنشگران اجتماعی به این صورت، شیوه‌های مختلفی دارد که در زیر به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۲-۱-۴. تعیین نقش^{۲۰}

مقوله تخصیص نقش در نظام ون لیوون، به نقش‌های فعال یا منفعلی مربوط است که به کنشگرهای اجتماعی داده می‌شود و شامل همه فعالیت‌هایی است که این کنشگران در آن‌ها شرکت می‌کنند. از آنجا که نقش‌های کنشگران اجتماعی الزاماً با نقش‌های دستوری و زبان‌شناختی کنشگران یکی نیست، می‌توانیم از نوروابط میان فعالان و منفعلان را در روابط اجتماعی تعیین کنیم.

در تحلیل گفتمان، نقش‌هایی که در بازنمایی به کنشگران اختصاص داده می‌شوند (تعیین عامل و یا پذیرنده عمل) بسیار اهمیت دارند. این نقش‌دهی به دو صورت فعال‌سازی^{۲۱} و منفعل‌سازی^{۲۲}

صورت می‌گیرد. در فعال‌سازی، کنشگر اجتماعی به‌عنوان نیرویی فعال، پویا و اثرگذار معرفی می‌شود و در منفعل‌سازی، کنشگر اجتماعی متحمل اثر یک کنش می‌شود و به‌گونه‌ای تصویرسازی می‌شود که گویی به عمل تن می‌دهد یا آن را می‌پذیرد و یا به خود می‌گیرد. مثال‌های زیر نمونه‌هایی از این دو شیوه بازنمایی کنشگر هستند:

۱-۲-۴. فعال‌سازی

۱. «به‌خاطر دارم که چندبار وزرای دولت‌های پیشین در جلسات پارلمان در بررسی عملکرد دستگاه‌های خود به روزنامه دولتی ایران و ایرنا اعتراض کردند [...]» (شرق).

نمود زبانی: کنشگر به‌عنوان فاعل در بند معلوم.

چون سخن درباره‌ی وزرای دولت‌های پیشین (منظور دولت‌های اصلاح‌طلب) است، نه دولت فعلی، بازنمایی آن به‌شکل فعال مسئولیتی را متوجه نویسنده نمی‌کند.

۲. «انتخابات خوب و کامل، انتخاباتی است که امکان مشارکت همه‌ی شهروندان جامعه را فراهم کند و کسی را از گردونه‌ی خود خارج نکند» (اعتماد).

نمود زبانی: استفاده از توصیفگر پیشین (ترکیب اضافی).

شهروندان در حمایت از ساختار سیاسی و مشارکت در انتخابات فعال بازنمایی شده‌اند. نویسنده با این شیوه تصویرسازی، مردم را در کانون توجه قرار می‌دهد و می‌کوشد ذهن خوانندگان را متوجه این نکته کند که از نظر او و همفکرانش، مردم و حقوق شهروندی آن‌ها مهم است و تضییع حقوق آنان و سلب حق انتخاب آن‌ها به هر طریقی عملی غیراخلاقی و غیرقانونی است که موجب تضعیف امنیت در جامعه می‌شود.

۳. «نگاه امام (ره) به رسانه این بود که آرمان‌های ملت را انعکاس بدهد، جامعه را نسبت به توطئه دشمن آگاه کند و مبلغ احکام اسلام و احکام دین باشد» (رسالت).

نمود زبانی: استفاده از توصیفگر پیشین (ترکیب اضافی).

دشمن به‌عنوان نیرویی فعال، پویا و توطئه‌گر و کسی که می‌تواند برای کشور و ملت خطرناک باشد، تصویرسازی شده است.

۲-۲-۴. منفعل‌سازی

۱. «موازی‌کاری» با هدف اخلال در اقتدار بین‌المللی و داخلی نظام اسلامی که دور زدن وزرا در چرخه امور جاری و اختصاصی وزارت‌خانه‌ها [...]» (کیهان).

نمود زبانی: کنشگر در جایگاه مفعول صریح بند معلوم.

در این عبارت، «وزرا» کنشگرانی هستند که درمقابل اعمال اخلال‌گرانه جریان موسوم به انحرافی، منفعل بازنمایی شده‌اند.

۲. «... [قتل آقای صارمی، روز نمادین در بزرگداشت ضرورت آزادی مطبوعات و ...]» (شرق).

نمود زبانی: استفاده از توصیفگر پیشین.

صحت از کنش منفی (قتل و اعدام) است؛ بنابراین بازنمایی خبرنگار ایرانی (آقای صارمی) به این صورت، هدفمند است. در آغاز این متن، یک خبرنگار درمقابل شبه‌نظامیان طالبان منفعل بازنمایی شده است، در ادامه متن، خبرنگاران و روزنامه‌نگاران درمقابل افراد و گروه‌هایی منفعل هستند که محدودیت‌ها و مشکلاتی را بر آن‌ها روا می‌دارند و در پایان متن، تأکید نویسنده بر لزوم جبران خسارتی که به خبرنگاران و روزنامه‌نگاران مستقل وارد آمده است گفتمان‌مدار است. ۳. «به هر نسبتی که مردم جامعه [...] از دایره انتخاب‌شوندگان خارج شوند، به همان نسبت [...]» (اعتماد).

نمود زبانی: کنشگر در جایگاه فاعل جمله مجهول.

در نمونه بالا، «مردم» کنشگری است که در یک فرآیند منفی به‌صورت منفعل بازنمایی شده است. این شیوه تصویرسازی احساس همدردی و همدلی خوانندگان را به‌همراه دارد؛ به سخن دیگر، نویسنده متن با این شیوه تصویرسازی کنشگر به‌عنوان پذیرنده یک فرآیند منفی، تبعات ناگوار کنش را برجسته می‌کند.

۳-۱-۴. تعیین نوع اشاره^{۲۳}

در هر گفتمان، می‌توانیم به کنشگرهای اجتماعی مشخصه انسانی و یا غیرانسانی دهیم. چنانچه کنشگر به‌صورت انسان بازنمایی شود و با استفاده از اسامی خاص، انواع ضمائر شخصی و ...

در زبان متجلی شود، در مقوله تشخیص بخشی^{۲۴} قرار می‌گیرد و چنانچه به صورت غیرانسان بازنمایی شود، در مقوله تشخیص زدایی^{۲۵} قرار می‌گیرد.

۱-۳-۴. شیوه‌های تشخیص بخشی

تشخیص بخشی زیرمجموعه‌هایی دارد که به طور کوتاه به برخی از آن‌ها می‌پردازیم:

۱-۳-۴-۱. مشخص‌سازی^{۲۶} و نامشخص‌سازی^{۲۷}

اگر در بازنمایی کنشگران اجتماعی، هویت آن‌ها به نحوی مشخص و روشن شود، از شیوه مشخص‌سازی استفاده شده است و هرگاه کنشگران به صورت افراد یا گروه‌های نامشخص و نامعلوم بازنمایی شوند، شیوه نامشخص‌سازی به کار رفته است. استفاده از ادات، صفات و ضمایر مبهم و نامعین و ... مانند هرکس، اندکی، بعضی، فلان، یک دانشجو و ... به تنهایی یا همراه با اسامی، از راه‌های تظاهر زبان‌شناختی نامشخص‌سازی است. در زیر، نمونه‌هایی از این دو شیوه را ارائه می‌دهیم:

۱. «او به همراه برخی قلم به مزدان اجنبی که روزگاری در مطبوعات کشور قلم می‌زدند اتاق فکر لندن را علیه ملت و انقلاب و اسلام تجهیز می‌کردند» (رسالت).

نمود زبانی: استفاده از صفت نامعین.

۲. «شاید عده‌ای حذف و رد صلاحیت برخی افراد را مستند به قانون بدانند» (اعتماد).

نمود زبانی: استفاده از ضمیر نامعین (عده‌ای) و صفت نامعین (برخی افراد).

نویسنده معرفی دقیق این افراد را لازم نمی‌داند؛ هرچند ممکن است برخی خوانندگان آن‌ها را بشناسند. از آنجا که عمل آن‌ها مهم است، نه خود افراد، به این صورت تصویرسازی شده است.

۱-۳-۴-۲. شیوه‌های مشخص‌سازی

الف. پیوند زدن^{۲۸}

در شیوه پیوند زدن، کنشگران اجتماعی که درباره فعالیت یا دیدگاه خاصی نظر واحد دارند، به شکل گروهی و پیوسته بازنمایی می‌شوند. در پیکره پژوهش حاضر، از دو شیوه زبان‌شناختی

برای این مؤلفه استفاده شده است؛ مانند نمونه‌های زیر:

۱. «فقط آنهایی که کارشان به رسوایی کشید، ننگ پناهندگی به بیگانگان را پذیرفتند و رسماً جیره غذایی خود را به دلار و یورو در آمریکا و اروپا می‌گیرند» (رسالت).
 نمود زبانی: استفاده از همپایگی^{۲۹}.

آمریکا و اروپا در دشمنی با ملت و انقلاب، اشتراک دارند؛ بنابراین با یکدیگر پیوند خورده‌اند.
 ۲. «او به همراه برخی قلم به مزدان اجنبی که روزگاری در مطبوعات کشور قلم می‌زدند، اتاق فکر لندن را علیه ملت و انقلاب و اسلام تجهیز می‌کردند» (رسالت).
 نمود زبانی: استفاده از عنصر موقعیتی همراهی^{۳۰} (به همراه).
 این افراد در پشتیبانی از لندن و غرب علیه ملت و انقلاب، اتفاق نظر دارند.
 ب. تفکیک کردن^{۳۱}

در شیوه تفکیک کردن، یک کنشگر یا گروهی از کنشگرهای اجتماعی با صراحت از دیگر گروه‌های مشابه متمایز می‌شود؛ به سخن دیگر، گروه «خودی»^{۳۲} و «غیرخودی»^{۳۳} شکل می‌گیرد و یا میان «ما»^{۳۴} و «آن‌ها»^{۳۵} تفکیک ایجاد می‌شود.

۱. «آن‌ها در راه تبلیغ مارکسیسم و آموزه‌های غرب آزادانه به اسلام و قرآن اهانت و آن را نمادی از آزادی مطبوعات و آزادی بیان تلقی می‌کردند و اگر مردم و نظام در برابر آن‌ها می‌ایستادند، جمهوری اسلامی را متهم به نقض حقوق بشر می‌نمودند» (رسالت).
 به شکل آشکاری میان شرق (مارکسیسم) و غرب که در سراسر متن آن‌ها را دشمن ملت و نظام معرفی می‌کند و «مردم و نظام» تفکیک قائل شده است. سراسر متن را می‌توانیم به شکل مجموعه‌ای از ویژگی‌ها و تصویرسازی‌های «خودی» و «غیرخودی» به تصویر درآوریم. یک مرزبندی بین «ما» (مردم و نظام) و «دیگران» (دشمن) شکل می‌گیرد.
 در متون مورد بررسی، مؤلفه «تفکیک کردن» نمود صوری زبان‌شناختی ندارد و تفکیک به لحاظ معنایی صورت گرفته است.

۳-۱-۳-۴. شیوه‌های تشخیص‌زدایی

همان‌طور که گفتیم، در تشخیص‌زدایی، کنشگرهای اجتماعی با مشخصه غیرانسانی بازنمایی

- می‌شوند. تشخیص‌زدایی دو زیرمقوله انتزاعی کردن^{۳۶} و عینی‌سازی^{۳۷} دارد:
- در انتزاعی کردن، یک ویژگی کنشگر جایگزین او می‌شود، کنشگر بدین شیوه بازنمایی می‌شود و این بازنمایی از طریق اسامی معنا در زبان متجلی می‌شود. از انتزاعی کردن برای تنزل افراد و گروه‌ها تا حد شیء استفاده می‌شود. به یک نمونه از این شیوه توجه کنید:
۱. «این ختمشبی در عمل به شرایطی انجامید که ادبیات پرخاشگری و بعضاً غیراخلاقی کاهش می‌یافت» (شرق).
- پرخاشگری ویژگی کنشگر است که به‌جای خود کنشگر عینیت و صراحت یافته و با این شیوه، کنشگر یک مرحله به حاشیه رانده شده است.
- عینی‌سازی با اهداف متفاوتی صورت می‌گیرد؛ گاهی برای اقتداربخشی به افراد و زمانی برای سلب مسئولیت از کنشگر اصلی. عینی‌سازی انواعی دارد که عبارت‌اند از:
- الف. مکان‌مداری^{۳۸}: در مکان‌مداری، بازنمایی کنشگر اجتماعی به‌کمک مکانی صورت می‌گیرد که در بافتی مشخص بسیار با آن عجین شده است:
۱. «طی چند دهه گذشته، ده‌ها پروژه استعماری [...] و مخصوصاً پروژه‌های پرهزینه آمریکا و متحدانش طی ۳۲ سال گذشته، از جمله آن‌ها است [...]» (کیهان).
- آمریکا به‌جای دولت و سیاستمداران آمریکا بازنمایی شده است.
- ب. ابزارمداری^{۳۹}: در ابزارمداری، تصویرسازی به‌کمک اشاره به ابزار صورت می‌گیرد:
۲. «آن‌ها عمداً قلم خود را به دروغ، تهمت، اهانت و تشویش اذهان می‌آلودند [...]» (رسالت).
- ابزار مورد استفاده عامل به‌جای خود عامل تصویرسازی شده است. برجستگی از کنشگر اجتماعی گرفته شده است و با این شیوه عامل به حاشیه رفته است.
- ج. گفته‌مداری^{۴۰}: در گفته‌مداری، بازنمایی به‌کمک اشاره به گفته‌ها و نوشته‌های کنشگران است:
۳. «به‌خاطر دارم در یکی از جلسات معمول که با سردبیران روزنامه‌ها داشتم، گزارشی عرضه شد که حاکی از [...]» (شرق).
- د. اندام‌مداری^{۴۱}: در اندام‌مداری، عینی‌سازی به‌کمک اشاره به بخشی از بدن کنشگر اجتماعی صورت می‌گیرد و بدین‌گونه بازنمایی می‌شود:

۴. آن‌ها شب‌گفته‌های بی‌بی‌سی و رادیو آمریکا را در روز در رسانه‌ها تکرار می‌کردند و وقتی دستشان رو شد، مجبور شدند به اتاق فرمان خود در غرب برگردند [...]» (رسالت).
 اندام افراد به‌عنوان کنشگر و مسئول بازنمایی می‌شود. این شیوه کنشگر را یک مرحله در حاشیه و پس‌زمینه قرار می‌دهد.

۴-۱-۴. تعیین ماهیت^{۴۲}

تعیین ماهیت کنشگران اجتماعی همانند تعیین نوع اشاره و نقش آن‌ها، از عوامل تعیین‌کننده در چگونگی بازنمایی آن‌ها است. کنشگران را می‌توانیم به‌صورت جنس‌ارجاعی^{۴۳} یا نوع‌ارجاعی^{۴۴} تصویرسازی کنیم. بازنمایی کنشگران به‌صورت جنس (عام) و یا نوع (خاص) گفتمان‌مدار است. نکته‌شایان توجه، عقیده جامعه‌شناسان درباره‌ی ارتباط مستقیم این دو مؤلفه جامعه‌شناختی-معنایی با طبقات اجتماعی است. به‌عقیده بوردیو^{۴۵} (۱۹۸۶)، در گفتمان طبقه کارگر، بیشتر نوع‌نگری برقرار است و در گفتمان طبقه حاکم و بورژوازی، جنس‌نگری. به‌قول ویرجینیا ولف، «افکار کلی همیشه افکار ژنرال‌ها است»^{۴۶}؛ زیرا دنیای روزنامه‌ها دنیای حاکمان و ژنرال‌ها است، نه دنیای مردم تحت سلطه. این تفاوت در تصویرسازی را ون لیوون (۱۹۹۶) در روزنامه‌های حامی طبقات اجتماعی و جناح‌های سیاسی متفاوت تشریح کرده است:

در روزنامه‌های طبقه متوسط مثل «سیدنی مورنینگ هرالد»^{۴۷}، برای اشاره به دولتیان، نخبگان و متخصصان بیشتر از شیوه نوع‌ارجاعی و برای اشاره به مردم عادی از شیوه جنس‌ارجاعی استفاده می‌شود. ازسوی دیگر، در روزنامه‌های مختص طبقه کارگر، مثل دیلی تلگراف^{۴۸}، شیوه بازنمایی برعکس است: مردم عادی نوع‌نگری می‌شوند و دولتیان و نخبگان جنس‌نگری (یارمحمدی، ۱۳۸۳: ۱۷۱).

منظور از «جنس‌ارجاعی» بازنمایی کنشگران به‌صورت طبقات و افراد عام است: مانند مردم، دشمن، اشرار، عوام، زن، انسان، بچه، جوانان، مخاطبان و نویسندگان:
 ۱. «ویژه‌نامه [...] بلافاصله پس از انتشار با موج گسترده‌ای از خشم توأم با اعتراض مردم و مجامع علمی و دینی روبه‌رو شد [...]» (کیهان).
 مردم به‌صورت جنس‌ارجاعی بازنمایی شده‌اند. جنس‌ارجاعی حالتی است که استثناپذیر

نیست و همه مردم را دربر می‌گیرد. تصویرسازی مردم به صورت یک «کل» در برابر توهین و تهدید بیگانگان و عوامل داخلی آن‌ها هدفمند و گفتمان‌مدار است.

نمود زبانی: استفاده از اسم عام جمع.

۲. [...] غفلت از تهاجم فرهنگی دشمن و نفوذ آنان در فضای رسانه‌ای کشور را یکی از ضعف‌های اساسی و مهم‌ترین تهدید کلیدی یاد کردند» (رسالت).

«دشمن» به صورت اسم جنس بازنمایی شده است. نویسنده در همه‌جای متن، دشمن را به شکل جنس ارجاعی تصویرسازی می‌کند تا یک «کل» در برابر ملت و نظام تصور شود.

نمود زبانی: به صورت اسم عام مفرد.

«نوع ارجاعی» دو زیرمقوله فرد ارجاعی^{۴۹} و گروه ارجاعی^{۵۰} دارد. «فرد ارجاعی» زمانی است که کنشگر به صورت فرد نمایانده شود؛ مانند محمدرضا خان، مایکل لدین، کنت تیمرمن، وی و او:

۱. «از آن زمان سالروز قتل آقای صارمی، روز نمادین در بزرگداشت ضرورت آزادی مطبوعات و نقش بی‌بدیل روزنامه‌نگاران و خبرنگاران در این فرآیند است» (شرق).

کنشگر به صورت نوع ارجاعی تصویرسازی و نام‌دهی شده است؛ زیرا سالگرد اعدام او به عنوان روز خبرنگاری نام‌گذاری شده است و نماد خبرنگاران و روزنامه‌نگاران مستقل است.

نمود زبانی: استفاده از اسم خاص.

۲. [...] یکی از مسئولان فرهنگی کشور نگاه ایشان را تخطئه کرد و گفت «تهاجمی» در کار نیست [...]» (رسالت).

نمود زبانی: استفاده از اسم مفرد نکره.

«گروه ارجاعی» بازنمایی کنشگر به صورت گروه است و دو زیرمقوله کلی ارجاعی^{۵۱} و مجموعه ارجاعی^{۵۲} دارد. اگر در گروه ارجاعی، گروه‌های کنشگران با عدد و رقم نشان داده شوند، مجموعه ارجاعی به کار رفته و در غیر این صورت، کلی ارجاعی است. به مثال‌های زیر توجه کنید:

کلی ارجاعی:

۱. «با استناد به این حاشیه‌سازی، اصرار داشتند به مردم مسلمان منطقه بقبولانند که ایران اسلامی نمی‌تواند الگوی خیزش شما باشد [...]» (کیهان).

نمود زبانی: استفاده از اسم جمع که به گروهی از مردم دلالت دارد.

بازنمایی «مردم مسلمان منطقه» به شیوه کلی‌ارجاعی، حالت بدون استثنای همه آن‌ها را تداعی می‌کند. پیش‌فرض عبارت بالا این است که اولاً همه مردم مسلمان منطقه از ایران تصویر مطلوب و مثبتی دارند و آن را الگوی خیزش اسلامی خود قرار داده‌اند و ثانیاً اقدامات بیگانگان و جریان انحرافی وابسته به آن‌ها در جهت مخدوش کردن این الگو در نگاه مسلمانان منطقه است.

۲. «به هر حال، روز خبرنگار روزی است که باید نقش و جایگاه این گروه ممتاز در جامعه بازشناسی شده و روز بزرگداشت آنان [...]» (شرق).

نمود زبانی: استفاده از «اسم جمع».

مجموعه‌ارجاعی:

۱. «امروز شمار زیادی از کارکنان رسانه‌های دشمن در اروپا و آمریکا را کسانی تشکیل می‌دهند که طی سه دهه گذشته در مطبوعات ایران و دیگر رسانه‌های داخل قلم می‌زدند» (رسالت).

«کارکنان رسانه‌های دشمن» به صورت مجموعه‌ارجاعی تصویرسازی شده است. نویسنده به این صورت کثرت آن‌ها و در نتیجه، لزوم توجه به این مسئله و برخورد با آن‌ها را نشان می‌دهد.

نمود زبانی: استفاده از سور (کمیت‌نما)^۳ به همراه اسم.

۲. «این نظریه نیز قابل قبول نیست؛ زیرا به یقین می‌دانند که وقتی آشکارا علیه آموزه‌های اسلامی حجاب و عفاف موضع می‌گیرند، آرای احتمالی خیل عظیم و چندده میلیونی مسلمان را از دست می‌دهند» (کیهان).

نمود زبانی: استفاده از عدد به همراه اسم.

۲-۴. بازکاوی ایدئولوژی

تحلیل گفتمان انتقادی تمایل زیادی به بررسی راه‌هایی دارد که از طریق آن‌ها و در نهادهای اجتماعی گوناگون، ایدئولوژی در زبان انعکاس می‌یابد. از نظر وداک، ایدئولوژی مهم‌ترین جنبه در ایجاد، حفظ و تثبیت روابط قدرت نابرابر است (Wodak, 2006: 6). میان مؤلفه‌های گفتمان‌مدار و ایدئولوژی، رابطه دوسویه برقرار است و با بررسی این مؤلفه‌ها می‌توانیم به ایدئولوژی پنهان در آن‌سوی گفتمان و ایدئولوژی حاکم بر ذهن نویسندگان متون پی ببریم. نمونه‌های عینی ایدئولوژی

حاکم بر چهار متن از روزنامه‌های اعتماد، شرق، رسالت و کیهان (از هر نشریه یک متن) عبارت‌اند از:

۱-۲-۴. ساخت زیرین ایدئولوژیک در متن روزنامه اعتماد، باعنوان «انتخابات و امنیت» (ش ۲۲۵۳، ۹۰/۶/۱۵):

۱. یک انتخابات خوب و کامل به برقراری امنیت کمک می‌کند؛ ۲. مشارکت حداکثری مردم لازمه یک انتخابات خوب و سالم است؛ ۳. رد صلاحیت‌ها، نابرابری‌های تبلیغاتی و نیز رعایت نکردن امانت در آرای مردم، تهدیدی علیه امنیت جامعه است؛ ۴. انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۸ برخلاف انتخابات ۷۶ فاقد مؤلفه‌های یک انتخابات سالم بوده است و ۵. روند جاری در انتخابات کشور ناسالم و موجب تضعیف امنیت جامعه است.

۲-۲-۴. ساخت زیرین ایدئولوژیک در متن روزنامه شرق، باعنوان «روز خبرنگار و مطبوعات مستقل» (ش ۷۶۳۴، ۹۰/۵/۱۹):

۱. تنوع و تکرر روزنامه‌ها و مطبوعات و آزادی و استقلال آن‌ها از مؤلفه‌های یک جامعه سالم است؛ ۲. فقدان یک فضای رسانه‌ای آزاد و مستقل موجب افزایش تخلفات دستگاه اجرایی و تراکم خواسته‌ها و بحرانی شدن آن‌ها می‌شود؛ ۳. فضای رسانه‌ای جاری در کشور محدود و بسته است و ۴. بحران‌های به‌وجود آمده در کشور محصول این فضای محدود رسانه‌ای است.

۳-۲-۴. ساخت زیرین ایدئولوژیک در متن روزنامه رسالت، باعنوان «غفلت از تهاجم فرهنگی دشمن» (ش ۱۳۱۴، ۹۰/۵/۱۷):

۱. مانند گذشته، عده‌ای با نفوذ در فضای رسانه‌ای کشور در امر تهاجم فرهنگی به دشمنان کمک می‌کنند؛ ۲. بسیاری از مسئولین در سطوح بالا در دولت اصلاحات، در گذشته و حال، از عوامل دست‌نشانده دشمن در امر تهاجم فرهنگی هستند و ۳. دستگاه قضایی و نهادهای مسئول امنیتی کشور باید با این افراد برخورد قهریه کنند.

۴-۲-۴. ساخت زیرین ایدئولوژیک در متن روزنامه کیهان، با عنوان «پادوهای اجاره‌ای!» (ش ۲۰۰۰۰، ۹۰/۵/۲۴):

۱. نویسندگان و عاملان ویژه‌نامه خاتون وابسته به جریان موسوم به جریان انحرافی هستند؛
 ۲. جریان انحرافی وابسته به سرویس‌های اطلاعاتی بیگانه هستند؛ ۳. جریان انحرافی در پیوند با جریان موسوم به جریان فتنه ۸۸ است و ۴. هدف عمده آن‌ها از انتشار ویژه‌نامه یادشده تنش‌آفرینی، تفرقه‌افکنی و اخلال در امور داخلی و بین‌المللی کشور است.
 تحلیل‌های صورت‌گرفته در مورد متون مورد بررسی نشان می‌دهد که رویکرد عمومی نشریات اصلاح‌طلب (اعتماد و شرق)، بهره‌گیری از مؤلفه‌های حذف و تشخیص‌زدایی و تصویرسازی کنشگران اجتماعی به‌شیوه منفعل و پوشیده است؛ درحالی که رویکرد کلی در روزنامه‌های اصول‌گرا (رسالت و کیهان)، به‌کارگیری مؤلفه‌های گفت‌مان‌مدار فعال‌سازی و بازنمایی کنشگران به‌شیوه فعال و صریح است. این تفاوت در نحوه تصویرسازی کنشگر را می‌توانیم به نحوه نگرش و رویکرد کلی نشریه و میزان دسترسی به منابع قدرت مربوط بدانیم. این منابع ارزشمند قدرت می‌توانند ثروت، مقام، موقعیت اجتماعی، موقعیت سیاسی، نیرو، تحصیلات، یا دسترسی به منابع اطلاعات باشند. هرچه میزان دسترسی به منابع قدرت بیشتر باشد، متن صریح‌تر و شفاف‌تر است و بازنمایی کنشگران اجتماعی به‌شیوه فعال صورت می‌گیرد و هرچه میزان دسترسی به منابع قدرت کمتر باشد، نویسندگان و پدیدآورندگان متون ناگزیر به پوشیده‌گویی و بیان غیرمستقیم افکار و ایدئولوژی خود و بازنمایی کنشگر به‌شیوه منفعل می‌پردازند.

۵. نتیجه‌گیری

از آنجا که تحلیل گفت‌مان انتقادی به بررسی رابطه میان زبان و اندیشه می‌پردازد و با رازگشایی از ساختارهای زیرین زبان، جنبه‌های فکری و پنهان آن را آشکار می‌کند، در این پژوهش کوشیدیم با بهره‌گیری از الگوی ون لیوون (۱۹۹۶) و بررسی شیوه‌های بازنمایی کنشگران اجتماعی در متون مطبوعاتی فارسی‌زبان امروز، به ایدئولوژی نهفته در پس این متون و تأثیر آن بر چیدمان گفت‌مان رایج در جامعه مطبوعاتی این دوره پی ببریم. گفتنی است که نتایج زیر در سطح پیکره ۴۰ متن مورد تحقیق قابلیت تعمیم دارند، نه در سطح کلی؛ زیرا قضاوت در مورد پاسخ

قطعی به پرسش‌های تحقیق به پیکره بسیار وسیع‌تر نیاز دارد و تحقیق دیگری می‌طلبد. در پاسخ به پرسش نخست پژوهش، باید بگوییم که ایدئولوژی حاکم بر ذهن نویسندگان، گروه‌ها و صاحبان اندیشه، با بهره‌گیری از مؤلفه‌های گفتمان‌مدار جامعه‌شناختی - معنایی همچون تشخیص‌بخشی، تشخیص‌زدایی، فعال‌سازی، کمرنگ‌سازی، تفکیک کردن و ... در متن منعکس می‌شود. مؤلفه‌های گفتمان‌مدار می‌توانند زبان‌شناختی یا جامعه‌شناختی - معنایی باشند؛ اما با بررسی نتایج، به نظر می‌رسد که کارایی مؤلفه‌های جامعه‌شناختی - معنایی در نشان دادن لایه‌های متفاوت گفتمان و آشکارسازی معنای پنهان متن بیشتر باشد.

در پاسخ به پرسش دوم پژوهش، باید بگوییم که تظاهر زبان‌شناختی ساخت‌های گفتمان‌مدار در متون بیشتر در قالب ساخت‌های زبانی، همچون فرآیند اسم‌سازی، معلوم در برابر مجهول، هم‌پایگی، استفاده از عنصر موقعیتی همراهی و ... صورت می‌گیرد. نکته مهم در زمینه ارتباط میان مؤلفه‌های جامعه‌شناختی - معنایی از یک سو و مؤلفه‌های زبان‌شناختی از سوی دیگر، این است که همه مؤلفه‌های جامعه‌شناختی - معنایی لزوماً نمود صوری زبان‌شناختی ندارند؛ برای نمونه، مؤلفه «تفکیک کردن» نمود صوری و روساختی زبان‌شناختی ندارد و تفکیک به لحاظ معنایی در کل متن صورت می‌گیرد.

در پاسخ به پرسش سوم پژوهش، می‌توانیم بگوییم که همان‌گونه که در بخش‌های پیشین پژوهش حاضر گفتیم، میان مؤلفه‌های گفتمان‌مدار و ایدئولوژی، رابطه دوسویه برقرار است و با بررسی این مؤلفه‌ها می‌توانیم به ایدئولوژی پنهان در پس گفتمان و ایدئولوژی حاکم بر ذهن نویسندگان متون پی ببریم. در این پژوهش، با استخراج مؤلفه‌های گفتمان‌مدار جامعه‌شناختی - معنایی و بررسی‌های کمی (در حد ۴۰ متن مورد تحقیق) و کیفی، توانستیم به ایدئولوژی حاکم بر متون پی ببریم.

در پژوهش حاضر، نشان دادیم که ساخت‌های زبانی در متن در خدمت مؤلفه‌های جامعه‌شناختی - معنایی قرار می‌گیرد. البته این مؤلفه‌ها نیز به نوبه خود توسط ایدئولوژی‌ها و ایدئولوژی‌ها نیز به وسیله روابط قدرت در گستره وسیع‌تر و کلان جامعه تعیین می‌شوند. فرکلاف هدف غایی و کاربردی‌تر تحلیل گفتمان انتقادی را افزایش هوشیاری مردم نسبت به زبان و قدرت و به ویژه نسبت به اینکه چگونه زبان در سلطه بعضی‌ها بر بعضی دیگر نقش دارد، می‌داند (Fairclough, 1989: 4). انگیزه پژوهش حاضر رسیدن به آگاهی‌بخشی و تقویت تفکر انتقادی بوده



است.

یکی از پیامدهای نظری پژوهش حاضر صحه گذاشتن بر ادعای زبان‌شناسان نقش‌گرا، مبنی بر تقدم نقش بر صورت است. درمقابل زبان‌شناسان صورت‌گرا که صورت زبان را مقدم بر نقش آن می‌دانند، نقش‌گرایان معتقدند که این نقش کاربردی زبان است که صورت زبانی را در اداره خود می‌گیرد. در این پژوهش، با تحلیل‌های انجام‌شده نشان دادیم که صورت زبان به‌گونه‌ای شکل می‌گیرد که بتواند نقش‌هایی را ایفا کند که توسط گفتمان به آن محول می‌شود. گزینش واژه‌های خاص، سازکارهای نحوی همچون مجهول‌سازی، اسم‌سازی، هم‌پایگی، استفاده از ضمایر خاص و ... که در سطح جمله و در ساختار درونی بند و جمله عمل می‌کنند، همگی در خدمت ایفای نقشی هستند که ساختارهای اجتماعی بزرگ‌تر از زبان به زبان محول کرده‌اند.

۶. پی‌نوشت‌ها

1. critical discourse analysis
2. power relations
3. discursive structures
4. social actors
5. socio-semantic features
6. T. Van Leeuwen
7. M. Foucault
8. G. Kress
9. A. Gramsci
10. action
11. reaction
12. the representation of social actors
13. patient
14. agent
15. chain sampling
16. exclusion
17. inclusion
18. suppression
19. backgrounding
20. role allocation
21. activation
22. passivation
23. reference allocation
24. personalization

25. impersonalization
26. determination
27. indetermination
28. association
29. coordination
30. accompaniment circumstantial
31. differentiation
32. self
33. other
34. us
35. them
36. abstraction
37. objectivation
38. spatialization
39. instrumentalization
40. utterance autonomization
41. somatization
42. type allocation
43. genericization
44. specification
45. P. Bourdieu
46. general ideas are always generals' ideas.
47. Sydney Morning Herald
48. daily telegraph
49. individualization
50. assimilation
51. collectivization
52. aggregation
53. quantifier

۷. منابع

- آفاگل‌زاده، فردوس (۱۳۸۳). «روش‌شناسی تحقیق در تحلیل گفتمان انتقادی». *مجموعه مقاله‌های ششمین کنفرانس زبان‌شناسی*. تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- ————— (۱۳۸۵). *تحلیل گفتمان انتقادی*. تهران: علمی و فرهنگی.
- آفاگل‌زاده، فردوس و مریم غیاثیان (۱۳۸۶). «رویکردهای غالب در تحلیل گفتمان انتقادی». *زبان و زبان‌شناسی*. س ۳، ش ۱. صص ۳۹-۵۴.

- *روزنامه اعتماد* (۱۳۹۰). یادداشت روز. ش ۲۲۵۳. ۱۵ شهریور.
- *روزنامه رسالت* (۱۳۹۰). سرمقاله. ش ۱۹.۷۶۳۴. مرداد.
- *روزنامه شرق* (۱۳۹۰). سرمقاله. ش ۱۷.۱۳۱۴. مرداد.
- *روزنامه کیهان* (۱۳۹۰). یادداشت روز. ش ۲۴.۲۰۰۰۰. مرداد.
- سلطانی، علی اصغر (۱۳۸۴). *قدرت، گفتمان و زبان*. تهران: نشر نی.
- پوشنه، آتنا و مرتضی بابک معین (۱۳۹۲). «تحلیل گفتمان انتقادی در اثری از ابراهیم گلستان با استفاده از مؤلفه‌های جامعه‌شناختی - معنایی گفتمان‌مدار با توجه به بازنمایی کارگزاران اجتماعی». *جستارهای زبانی*. د. ۴. ش ۲. صص ۱-۲۵.
- صحراگرد، رحمان و حکیمه شیروانی (۱۳۹۱). «بازنمایی هویت شهروندان ایرانی مهاجر در متون مطبوعاتی داخل و خارج از کشور از منظر گفتمان‌شناسی انتقادی با عنایت به مؤلفه‌های گفتمان‌مدار جامعه‌شناختی - معنایی». *دومین هم‌اندیشی تحلیل گفتمان و کاربردشناسی*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- کلانتریان، ندا (۱۳۹۱). *توصیف و تحلیل زبان‌شناختی گفت‌وگوهای هسته‌ای ایران بین دو جناح اصلاح‌طلب و اصول‌گرا: دیدگاه تحلیل گفتمان انتقادی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت مدرس.
- یارمحمدی، لطف‌الله (۱۳۸۳). *گفتمان‌شناسی رایج و انتقادی*. تهران: هرمس.
- ----- (۱۳۸۵). *ارتباطات از منظر گفتمان‌شناسی انتقادی*. تهران: هرمس.
- یارمحمدی، لطف‌الله و لیدا سیف (۱۳۸۳). «بازنمایی کارگزاران اجتماعی در مناظرات فلسطین و اسرائیل از طریق ساختارهای گفتمان‌مدار جامعه‌شناختی - معنایی». *مجموعه مقاله‌های ششمین کنفرانس زبان‌شناسی*. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی. صص ۳۳۴-۴۲۱.

References:

- Bourdieu, P. (1986). *Distinction: A Social Critique of the judgments of Texts*. Cambridge: Polity Press.
- *E'temad Newspaper* (2011). Daily Note. No. 2253. 15 September [In Persian].
- Fairclough, N. (1989). *Language and Power*. London: Longman.
- Hodge, R. & G. Kress (1979). *Language and Ideology*. London: Routledge.

- Jorgenson, M. & L. Phillips (2002). *Discourse Analysis as Theory and Method*. London: Sage Publications.
- Kalantari, N. (2012). *Linguistic Description and Analysis of Iran Nuclear Talks between Reformists and Fundamentalists: Critical Discourse Analysis*. MA thesis. TMU [In Persian].
- *Keyhan Newspaper* (2011). Daily Note. No. 20000. 24 August [In Persian].
- Kress, G. (1985). *Linguistic processes in sociocultural Practice*. Victoria, Australia: Deakin University Press.
- Poushane, A. & M.B. Moien (2013). "The Representation of Social Actors via Socio-semantic Features in a Story by Ebrahim Golestan: A CDA Study". *Language Related Research*. Vol. 4, No. 2. pp. 1- 25 [In Persian].
- Qaglzadeh, F. (2004). "Methodology of research in critical discourse analysis." Articles of the Sixth Linguistics Conference. Tehran: Allameh Tabatabai University [In Persian].
- ----- (2006). *Critical Discourse Analysis*. Tehran: Elmi & Farhangi [In Persian].
- ----- & M. Ghiasian (2007). "Critical discourse analysis". *Language and Linguistics*. Year 3, No. 1. pp. 39- 54 [In Persian].
- *Resalat Newspaper* (2011). Editorial. Sat. 19 August, No. 7634 [In Persian].
- Sahragard, R. & H. Shirvani (2012). "Representation of immigrant citizens in Press texts within and outside the country from the perspective of critical discourse with respect to the components of cognitive-semantic-oriented dialogue". *Second Seminar on Discourse Analysis and Pragmatics*. Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies [In Persian].
- *Shargh Newspaper*. (2011). Editorial. No. 1314. 17 August [In Persian].
- Soltani, A.A. (2005). *Power, Discourse and Language*. Tehran: Ney Publications [In Persian].
- Van Dijk, T.A. (1989). *Text and Context: Explorations in the Semantics and Pragmatics of Discourse*. London: Longman.



- Van Leeuwen, T.A. (1996). "The representation of social actors". In Coldas-Coulthard, C. R. & M. Coulthard (eds.), *Text and Practices, Reading in CDA*. London: Routledge.
- ----- (1993). "Genre and field in CDA". *Discourse and Society*. Vol. 4. No. 2. pp. 193- 225.
- Wodak, R. & M. Meyer (2009). *Methods of Critical Discourse Analysis*. London: Sage. 2nd revised Edition. In press.
- Wodak, R. (1995). "Critical linguistics and critical discourse analysis". 204- 210 In *Handbook of Pragmatics- Manual*. (eds.). J. Verschuren and et.al. Amsterdam: John Benjamins.
- ----- (2006). "Mediation between discourse and society: Assessing cognitive approaches in CDA". *Discourse and Society*. Vol. 8. No. 1. pp. 179- 190.
- Yar-Mohammadi, L. & L. Saif (2004). "Representation of social agents in the Palestinian-Israeli conflict through community-based cognitive-semantic structures of discourse". *Articles of the Sixth Linguistics Conference*. Tehran, Allameh Tabatabai University. pp. 334- 421 [In Persian].
- Yar-Mohammadi, L. (2006). *Communication from the Perspective of Critical Discourse*. Tehran: Hermes [In Persian].
- ----- (2004). *Popular and Critical Discourse Studies*. Tehran: Hermes [In Persian].